

بررسی قومیت و الگوهای ازدواج در شهرستان ماکو

نورالدین فراش

کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

نورالدین فراش

N_farrash@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی الگوهای ازدواج در بین دو گروه قومی کرد و ترک شهرستان ماکو می باشد. برای رسیدن به اهداف تحقیق، از تکنیک پیمایش استفاده کرده و جامعه آماری تحقیق شامل همه ی زنان همسر دار ۱۵-۴۹ ساله در شهرستان ماکو است. داده ها به وسیله ی تکنیک پرسشنامه و با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای از ۳۵۳ نفر از زنان کرد و ترک واجد شرایط جمع آوری گشت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های تی دو نمونه مستقل، کای اسکور، رگرسیون چند متغیره و لجستیک- استفاده شد. نتایج نشان داد که بین دو گروه قومیتی در زمینه میانگین سن در اولین ازدواج، میانگین سن مناسب ازدواج برای پسران و دختران تفاوت معنی داری وجود دارد. میانگین سن مناسب برای ازدواج پسران در بین کرد زبان ها (۲۶/۷ سال) کمتر از ترک زبان ها (۲۷/۴ سال) است. همچنین میانگین سن مناسب برای ازدواج دختران، در بین کردها (۲۱ سال) کمتر از ترک ها (۲۳ سال) بوده است. بنابراین میانگین سن واقعی و ایده آل ازدواج ترک ها بیشتر از کردها بوده است. ازدواج خویشاوندی نزدیک و دور در بین کردها بیشتر از ترک ها بوده است. در مقابل، ازدواج با غیرخویشاوند در بین ترک ها (۳۶ درصد) بیشتر از کردها (۲۸ درصد) بوده است. در مورد نگرش نسبت به نوع ازدواج پسر با قومیت رابطه معنی داری وجود دارد، از سوی دیگر در زمینه نوع ازدواج دختر (ازدواج خویشاوندی و بین قومی) با قومیت رابطه معنی داری وجود ندارد. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که با کنترل همزمان تمام مشخصه ها، تاثیر قومیت بر سن مناسب برای ازدواج پسر کمتر شده و معنادار نیست. اما در زمینه سن مناسب برای ازدواج دختر همچنان معنادار است. در بین زنان کرد زبان، غیرشاغل، بی سواد، دارای تحصیلات نهضت و ابتدایی، دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین و متوسط و با میزان قوم گرایی بالا، احتمال ازدواج خویشاوندی بیشتر می شود.

واژگان کلیدی: قومیت، الگوهای ازدواج، خویشاوندی، شهرستان ماکو.

۱-مقدمه و بیان مسئله

ازدواج پدیده ای اجتماعی است. بشر از بدو خلقت جهت تشکیل خانواده و بقای نسل ازدواج می کرده است. در دوران جدید و در جوامع صنعتی، ماهیت و اشکال ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن و به طور کلی الگوهای همسرگزینی و خانواده تحت تأثیر صنعتی شدن و به دنبال آن جهانی شدن دچار تغییر و تحول شده و در جوامع رو به توسعه، یا به اصطلاح پیرامونی با آهنگی آرام در حال تغییر است. با تغییر الگوی خانواده از گسترده به هسته ای، نحوه انتخاب همسر نیز در بسیاری جوامع تغییر کرده است، زیرا در خانواده گسترده، ازدواج یک تصمیم اقتصادی و مبتنی بر تصمیم و رأی دیگر افراد و اعضای خانواده بود، ولی با هسته ای شدن خانواده ها، ازدواج، تبدیل به یک تصمیم عاطفی و احساسی شده است. حق انتخاب آزاد همسر، آزادی عمل زنان در ازدواج، تصمیم گیری در خانواده، عادی شدن طلاق و موارد مشابه، از جمله تغییرات ازدواج و خانواده محسوب می شود. به دنبال تغییر در نظام هنجاری جامعه، تغییر در ارزش ها و گسترش شهرنشینی، رفع محدودیت در روابط بین دو جنس مخالف کاهش یافته، که به نوبه خود بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه [از جمله ازدواج] را تحت تأثیر قرار داده است (شیخی، ۱۳۸۲؛ به نقل از سرایی و اوجاقلو، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر تجربه زناشویی و نگرش افراد نسبت به ازدواج، تحت تأثیر فرهنگ، نقش و موقعیتی است که فرد در آن به سر می برد و الگوهای متفاوت آن در جوامع گوناگون، نشان دهنده ی تاثیر ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و جمعیت شناختی جامعه بر این پدیده جهانی می باشد. ارزش های فرهنگی نشانگر سهم ضمنی یا صریح عقاید انتزاعی درباره آنچه در جامعه خوب، درست و مطلوب تلقی می شود، هستند. این ارزش ها مبتنی بر هنجارهای خاصی هستند که به مردم می گویند چه چیزی در موقعیت های مختلف درست است. روش هایی که نهادهای اجتماعی مانند خانواده، تحصیلات، اقتصاد، سیاست و نظام قومی و مذهبی به آن ها عمل می کنند و هدف و کنش آن ها بیانگر اولویت ارزشی فرهنگ است (ویلیام^۱، ۱۹۷۰؛ به نقل از جیرالی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ از این رو ازدواج نیز به عنوان یک پدیده فرهنگی و اجتماعی در اقوام و ادیان مختلف، متأثر از فرهنگ کلی و خرده فرهنگ ها، انواع و مقررات خاصی دارد (مولر و یانگ^۲، ۲۰۰۱).

نفوذ جامعه بر الگوهای همسرگزینی موجب می شود که اعضای آن به ازدواج با افرادی خاص تشویق یا حتی مجبور شوند و از ازدواج با افرادی دیگر منع گردند. در نتیجه ی این فرایند است که می توان الگوهای درون همسری و برون همسری را در جوامع گوناگون مشاهده کرد (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵). می توان گفت که الگوهای ازدواج علاوه بر ابعاد شخصیتی و فردی بر حسب زمان تشکیل، نحوه ی شکل گیری، دوام و بسیاری از جنبه های دیگر تحت تأثیر بافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه قرار داشته و خود نیز مؤثر بر جامعه در سطح کلان و عناصر خانواده در سطح خرد می باشد. با توجه به وجود و همزیستی انواع شیوه های انتخاب همسر و به تبع آن نسبت با همسر، یکی از موضوع هایی که درباره آن مطالعه های چندی صورت گرفته (دواتی و همکاران، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴) و هنوز مورد توجه است، بحث الگوهای ازدواج است.

با وجود تداوم نقش عناصر اجتماعی و فرهنگی گذشته و تأثیر پایدار آن ها، نگرش ها و رفتارهای خانوادگی ایرانیان، طی سالیان اخیر نهاد ازدواج و خانواده تغییرات محسوسی را تجربه کرده است. در جامعه امروز ایران، گروه های اجتماعی مختلفی که در آنها به درجه های مختلف، شرایط پیشامدرن، مدرن و حتی پسامدرن^۳ وجود دارد، به طور همزمان زندگی می کنند. در این گروه ها، همسرگزینی و الگوهای ازدواج، متناسب با شرایط گروه و شکل خانواده متفاوت است. انتظار می رود که اندازه ی تغییرات و تعیین کننده های مؤثر بر الگوهای ازدواج از یک گروه قومی به گروه قومی دیگر متفاوت باشد (مک دونالد، ۲۰۰۲). بنابراین می بایست سهم ساختارهای فرهنگی و ارتباطات، ارزش ها و نگرش ها، عوامل قومی، اجتماعی و هنجارها را در کنار یکدیگر و در تعامل با هم بسنجیم. بی تردید، مطالعات زمینه ای در بسترهای گوناگون

^۱ - William

^۲ - Muller and Yang

^۳ - Premodern, Modern and Postmodern

قومی - فرهنگی می تواند به درک عمیق تر تغییرات در رفتار و نگرش های مرتبط با ازدواج زنان و پیش بینی الگوهای احتمالی همسرگزینی در آینده کمک کند (حسینی، ۱۳۹۱).

یکی از شهرستان های استان آذربایجان غربی با بافت قومی ترکیبی، شهرستان ماکو است. این شهرستان براساس سرشماری ۱۳۹۰ دارای ۸۸ هزار نفر جمعیت است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) و ترکیبی از قومیت های کرد و ترک دارد. به نوعی می توان گفت که از وضعیت ناهمگونی در زمینه قومی و مذهبی برخوردار است. این ساختار ناهمگون ممکن است الگوهای رفتاری و جمعیتی را تحت تاثیر قرار دهد. همین تنوع خود احتمال دارد عامل وجود ساختارها، الگوهای رفتاری، قواعد نهادی خاصی باشد که رفتارهای جمعیتی متناسب با آن تغییر کند. در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی الگوهای ازدواج (سن ازدواج، سن مناسب ازدواج برای دختران و پسران، ازدواج خویشاوندی، نحوه انتخاب همسر و ...) در بین دو گروه قومی کرد و ترک شهرستان ماکو می پردازد.

۲- مبانی نظری و تجربی پژوهش

بطور کلی، افزایش سن ازدواج و تغییر در الگوهای ازدواج و معیارهای همسرگزینی را می توان از سه رهیافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبیین کرد. رهیافت اجتماعی با نظریه مدرنیزاسیون رهیافت اقتصادی با نظریه مبادله (عرضه و تقاضا) و رهیافت فرهنگی با نظریه برابری جنسیتی توضیح داده می شود. باید توجه داشت که نظریه مدرنیزاسیون، دو نظریه مبادله و برابری جنسیتی را با خود به همراه دارد، ولی برای بررسی دقیق تر، هر سه نظریه به صورت جداگانه آورده می شود.

۲-۱- تئوری مدرنیزاسیون

تئوری مدرنیزاسیون توسط ویلیام گود مطرح شده است. وی برای تبیین تفاوت سن و الگوهای ازدواج افراد از مفهوم مدرنیزاسیون استفاده کرده است. بر این اساس، کاهش یا افزایش سن ازدواج با درجات مدرنیزاسیون مقایسه شده است. مدرنیزاسیون در سطوح فردی و اجتماعی با تأثیرگذاری بر زمان ازدواج صورت می گیرد. در میان مهم ترین فاکتورهای مدرنیزاسیون، می توان به گسترش فرصت های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد. افرادی که در مناطق شهری زندگی می کنند به دلیل شیوه های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف تر، نسبت به مناطق روستایی ازدواجشان با تأخیر صورت می گیرد (آستین افشان، ۱۳۸۰: ۱۵). در جریان مدرنیزاسیون، خانواده محوری به فرد محوری تبدیل می شود. فرایند مدرنیزاسیون با ترجیح خانواده هسته ای، فردمحوری در مقابل خانواده محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج های با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می کند. در این جریان، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان ها و نهادهای دیگر واگذار می شود. این تغییر کارکرد، شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خویشاوندی می کند و در نتیجه، خانواده به واحد هسته ای که بر فردگرایی استوار است، تبدیل می گردد. بدین معنی که بخش عمده ای از تصمیمات مربوط به زندگی اعضای خانواده مانند تصمیم گیری در مورد تشکیل خانواده و ازدواج، توسط خود افراد اتخاذ می گردد. این ازدواج ها با انتخاب آزاد، معمولاً با سنین ازدواج بالاتر همبسته اند. (محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۴ - ۲۹).

همچنین فرایند مدرنیزاسیون با تغییر نگرش ها و ایده های افراد جامعه همراه است. به طوری که در دنیای مدرن امروزی، افراد به نگرش هایی به خصوص در زمینه انتخاب همسر دست یافته اند که دایره انتخاب همسر را محدودتر می کند. بنابراین، ملاحظه می شود که هر یک از ابعاد و مؤلفه های مدرنیزاسیون با سن و الگوهای ازدواج رابطه مثبت دارد.

باید اشاره کرد که تئوری مدرنیزاسیون در جوامع متفاوت به طور یکسان عمل نکرده و بنابراین در جوامع مختلف نمی‌توان از همه مفاهیم و شاخص‌های آن استفاده کرد. به عنوان مثال، تغییرات نهاد خانواده، ازدواج و سن ازدواج در جوامع شرق و جنوب شرقی آسیا که در فرایند مدرنیزاسیون قرار گرفته‌اند متفاوت است. مثلاً در کشور چین عمومیت ازدواج خیلی بالاست یا در اندونزی ازدواج در سنین خیلی پایین صورت می‌گیرد، ولی در کشورهایی مانند فیلیپین و تایلند، تعداد زنانی که ازدواج نکرده‌اند چشمگیر بوده و حتی از برخی کشورهای اروپایی فراتر است. در ژاپن که نمونه عالی جامعه مدرن است، هنوز خانواده گسترده شکل غالب خانواده‌ها را تشکیل می‌دهد و خانواده‌محوری بر فرد محوری ارجحیت دارد. با در نظر گرفتن این ملاحظات منطقه‌ای، فرهنگی، ارزشی و قومی باید تئوری مدرنیزاسیون را به کار گرفت (کازمی پور، ۱۳۸۹).

۲-۲- تئوری برابری جنسیتی

در سراسر قرن بیستم تا دهه ۱۹۷۰، نهاد خانواده در تمام کشورهای پیشرفته معاصر به صورت نهادی قلمداد می‌شد که در آن جنس مذکر نان‌آور خانواده محسوب شده، درآمد خانواده از طریق کار در بیرون از خانه بدست آمده و مسئولیت نگهداری بچه‌ها بر عهده مادر بود. در این حالت، اصل کلی بر «ایجاد تمایز بین مرد و زن» بود (مک‌دونالد، ۲۰۰۰: ۳۷). عکس این حالت، مدل برابری جنسیتی است. از جمله اصول این مدل، توجه کامل به مرد و زن، برابری منابع درآمد، مشارکت زنان در فعالیت‌های ارزشمند اجتماعی و کشیدن خط بطلان بر سیاست‌های مردسالاری است. ملاحظه می‌شود که در برابری جنسیتی، بیشترین بحث، برابری فرصت بین دو جنس است. برابری از لحاظ آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و... با توجه به این دیدگاه، زنان در زمینه فرصت‌های شغلی، آموزشی و غیره سعی می‌کنند گام به گام مردان پیش روند. در نتیجه این برابری جنسیتی (یا رقابت جنسیتی)، سن ازدواج زنان به تأخیر می‌افتد. به تأخیر افتادن سن ازدواج (تغییر در الگوی ازدواج) هزینه‌ای است که زنان برای دستیابی به برابری فرصت مجبورند پرداخت نمایند.

۲-۳- تئوری پایان پدرسالاری کاستلز

کاستلز اعتقاد دارد: انقلابی در حال وقوع است، اما نه انقلابی که نهضت‌های دهه شصت و هفتاد را اعلام و دنبال کرده اند. البته در این نهضت‌ها عوامل مهمی در توجه انقلاب جنسی به واقع موجود بوده است. ویژگی این انقلاب از هم گسیختن پیوندهای ازدواج، خانواده، ناهمنجنس‌گرایی و نیاز جنسی است. این چهار عامل که طی دو قرن گذشته تحت شرایط پدرسالاری مردن به هم پیوسته اند، اکنون فرایند مستقل شدن را می‌گذرانند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۸۲). با تغییر ارزش‌ها و تحولات به وجودآمده در سطح جامعه، پدرسالاری نیز رو به محو شدن رفت. نظریه افول پدرسالاری سعی در تبیین تغییرات شکل سنتی الگوهای ازدواج دارد.

۲-۴- تئوری مبادله

فرض اساسی نظریه مبادله آن است که مردم در انتخاب‌های خود منطقی بوده و درصدد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. «بارتز» و «نای» با کاربرد این نظریه در مورد ازدواج، دو دسته تعیین‌کننده ازدواج را مشخص کرده‌اند: دسته اول آنهایی هستند که باعث می‌شوند ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوم آنهایی هستند که باعث می‌شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزین‌های نامطلوب، برای فرد کمتر نامطلوب باشد. به این صورت که: هر قدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت شده از موقعیت کنونی فرد بیشتر باشد، ازدواج زودتر خواهد بود (کنعانی، ۱۳۸۵). با پذیرش این اصل، زنان در شرایط رقابتی و برای اینکه شغل و فعالیتی بدست آورند، مجرد باقی مانده یا ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند. در نظریه مبادله، انسان دائماً در صدد بهره‌گیری بیشتر از حداقل هزینه‌هاست. اصل جستجوی پاداش‌های اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی در نهاد انسان نهفته است. طبق این نظریه، تصمیم‌گیری به ازدواج نوعی تصمیم به سرمایه‌گذاری است که در آن هزینه‌ها و دستاوردهای شخص ازدواج‌کننده در طول زمان واقعیت پیدا می‌کند. در این تئوری، ارزیابی عقلانی هزینه‌ها و منافع حاصل از ازدواج در نظر گرفته می‌شود. ملاحظه می‌شود که در تئوری مبادله، علل افزایش سن ازدواج از دو جهت قابل بررسی است: یکی انسان به‌عنوان موجودی که دارای عقل

اقتصادی است و سعی در به حداکثر رساندن منافع و به حداقل رساندن هزینه‌ها دارد و دیگری شرایط جامعه، که در این صورت باید شرایط و چگونگی جنس مخالف را هم در نظر گرفت. چون این جنس مخالف است که در بالا یا پایین آمدن سن ازدواج جنس دیگر نقش تعیین کننده دارد.

۲-۵- تئوری گذار جمعیتی

براساس تئوری گذار جمعیتی دوم، نقش ازدواج به عنوان سازمان دهنده بنیادی زندگی خانوادگی، بطور قابل ملاحظه ای در سراسر جهان کاهش داشته است. قوانین طلاق لیبرالیزه و آسانگیر شده است. نقش زنان و مردان با مشارکت زنان در آموزش، دانشگاه و کار دگرگون شده است. تولد بچه هایی در خارج از ازدواج رو به فزونی است، نگرش ها بیش از پیش به سمت نقش های جنسیتی برابری طلب در حرکت است، جنسیت و فرزندآوری با استفاده از وسایل ضد آبستنی، عقیم سازی و سقط جنین، در سطح وسیع و قابل دسترسی، تحول یافته است، سطح باروری پایین آمده است و هنجارها در برابر بی فرزندی داوطلبانه زوج های ازدواج کرده، به طور قابل ملاحظه ای ضعیف شده اند و تفکر مستقل در بین جوانان بطور فزاینده ای به یک ارزش مبدل شده است (سرایي و اوجاقلو، ۱۳۹۲). روند تغییرات ازدواج و نگرش نسبت به خانواده و ازدواج در کشورهایمانند ایران، ترکیه، مصر، مالزی و ... نشان می دهد که نقش عوامل فرهنگی بویژه آموزه های اسلامی در خانواده گرایی و تشکیل خانواده مهم است. بنابراین، روند گذار جمعیتی دوم تک خطی نیست و بر حسب ساختار فرهنگی کشورها متفاوت است (احمدی، قاسمی و کاظمی پور، ۱۳۹۱). تغییر ارزش های خانواده از جمله ازدواج و فرزندآوری در جوامع غیر غربی (از جمله ایران) هم علی رغم تفاوت های فرهنگی، قابل ملاحظه و چشمگیر است. تغییر از خانواده گسترده به هسته ای، تغییر از خانواده گرایی به فردگرایی، تغییر از کنترل خانواده به استقلال جوانان، تغییر از ازدواج های از پیش ترتیب داده شده به ازدواج های بر اساس عشق و انتخاب، تغییر از ازدواج در سنین جوانی به ازدواج در سن بالا، از ازدواج جهانی (عمومیت ازدواج) به داشتن پتانسیل برای مجرد گسترده، تغییر از باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل شده، تغییر از تعداد فرزندان بیشتر به فرزندان کمتر، افزایش جنبش های فمینیستی و زنان با تأکید بر برابری جنسیتی و حقوق زنان، هم در خانواده و هم در عرصه عمومی از عمده تغییرات ناشی از این گذار بوده است. لذا تحت تأثیر گذار جمعیتی دوم و با در نظر گرفتن موقعیت جامعه ایران، برخی ارزش های خانواده در ایران دچار تغییراتی شدند از آن جمله؛ نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده متحد زبانی تغییر کرده است، سن ازدواج بالا رفته است و همین بالا رفتن سن ازدواج نشانه تغییر در نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده است (سرایي، ۱۳۸۵).

۲-۶- فرضیه همانندی مشخصه ها

این رویکرد ابتدا توسط برگس و پارک برای توصیف پدیده ذوب شدن آمریکایی - یعنی فرایند همنوایی و همانندی با جامعه انگلیسی زبان آمریکا- ارائه شد. طبق این رویکرد نقش مشخصه های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی در ایجاد تفاوت های باروری و الگوهای ازدواج بین گروه های قومی مختلف بسیار تعیین کننده است به طوری که این مشخصه ها به تنهایی باعث ایجاد تفاوت بارز در باروری گروه های قومی است و نقش هنجارهای گروه های قومی را ناچیز می داند. در این رویکرد استدلال می شود که در روند نوسازی و گسترش ارتباطات اجتماعی، مرزبندی های قومی به هم می ریزد و به تبع آن در صورت همانندی در مشخصه های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی، تفاوت های قومی از بین می رود و به سوی همگرایی میل می کند (نای پنگ، ۲۰۰۲ و دادلی و همکاران ۲۰۰۶، به نقل از حسینی و عباسی شوازی: ۱۳۸۸؛ ۵۸). به نوعی می توان گفت در این رویکرد استدلال می شود که روند نوسازی و گسترش ارتباطات اجتماعی، مرزبندی قومی به هم می ریزد و به تبع آن در صورت همانندی در مشخصه های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی از بین می رود و به سوی همگرایی میل می کند (پوستون و دیگران ۲۰۰۳).

۷-۲- رویکرد تاثیر قومی- فرهنگی

این رویکرد بر اهمیت نقش قومیت به عنوان یک عامل مستقل و تاثیر گذار بر رفتارهای افراد تاکید می کند. به عبارت دیگر این دیدگاه در تبیین تفاوت های قومی، اهمیت اصلی را به هنجارها و ارزش های قومی و تجارب روانی- اجتماعی موقعیت گروه اقلیت می دهد. در این رویکرد فرض اساسی آن است که اعضای گروه قومی دارای ارزش ها و تجارب اقتصادی- اجتماعی (بعد ساختاری) مشترکی هستند که متفاوت از سایر اعضای جامعه می باشد؛ لذا بخش تبیین نشده تفاوت های قومی باروری، بعد از کنترل ویژگی های اقتصادی- اجتماعی و جمعیتی می تواند هم ناشی از احساس تبعیض و عدم امنیت های روانی- اجتماعی و ناشی از تفاوت در هنجارهای قومی باشد (صادقی، ۱۳۸۵: ۳۵-۳۳). می توان گفت بسیاری از افراد در کشورهای مختلف از جمله در ایران، فشار جهانی شدن را احساس می کنند. کشورها و جوامع پیرامون و تأثیرپذیر از جمله ایران، در برابر فشار و سلطه کشورها و جوامع مرکز (کانون) تسلیم محض نمی شوند. فرهنگ های محلی و بومی از خود در برابر این فشار و همگون شدن و ذوب شدن در فرهنگ جهانی، مقاومت نشان می دهند. این همان چیزی است که رابرتسون بدان سلطه و فشار از مرکز و مقاومت از پیرامون می گوید.

۲-۸- پیشینه پژوهش

تاکنون چندین پژوهش درباره الگوی ازدواج خویشاوندی و تغییرهای آن در ایران انجام شده است. بعضی از پژوهش هایی که به بررسی تغییرهای خانواده، قومیت و الگوهای ازدواج در ایران پرداخته اند (برای نمونه، حسینی و بگی، ۱۳۹۵؛ توده فلاح و کاظمی پور، ۱۳۸۹؛ عباسی شوازی و خانی، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۵ و ...) به این نتیجه دست یافته اند که با وجود تغییر در بعضی از ارزش ها و سنت های حاکم بر خانواده و نگرش های موجود به آنها، کماکان بعضی از ویژگی های مشترک مانند اهمیت ازدواج خویشاوندی، حفظ شده و در بین قومیت های مختلف تفاوت وجود دارد.

حسینی و بگی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی دیدگاه زنان کرد نسبت به الگوی ازدواج خویشاوندی در مهاباد» نشان دادند که ۳۶/۹ درصد ازدواج ها از نوع خویشاوندی است که در این میان، ۲۳/۲ درصد زنان با خویشاوندان نزدیک خود ازدواج کرده اند. بر پایه این بررسی، ازدواج خویشاوندی با سطح تحصیلات زنان رابطه ای معکوس دارد. زنانی که ازدواج خویشاوندی را تجربه کرده اند، بیشتر از سایرین موافق ازدواج فرزندان با خویشاوندان می باشند و تفاوتی در نگرش آنها نسبت به ازدواج فرزندان دختر و یا پسر با فردی از افراد فامیل وجود ندارد. تحلیل های چند متغیره نشان داد زنانی که از استقلال بیشتری برخوردارند، سرمایه ی فرهنگی بالاتری دارند و نیز آنهایی که تحصیلات دانشگاهی دارند، بیشتر از سایرین مخالف ازدواج فرزندان با خویشاوندان می باشند. نتایج، گویای آن است که تأثیر نیروهای نوسازی در تغییر الگوهای ازدواج در شهر مهاباد به طور همزمان در همه لایه های اجتماعی ظهور و بروز نیافته است.

توده فلاح و کاظمی پور (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تاثیر نوسازی بر سن ازدواج با تاکید بر شاخص های جمعیت شناختی ازدواج در سطح کشور و ۷ استان منتخب ۱۳۸۵» نشان دادند که استان های مورد مطالعه از الگوی سنی ازدواج متمایزی نسبت به یکدیگر برخوردارند. میزان شهرنشینی، اشتغال و نسبت اشتغال در بخش صنعت از عوامل تعیین کننده ی افزایش میانگین سن ازدواج برای مردان است.

عباسی شوازی و خانی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «الگوهای ازدواج، قومیت و مذهب: بررسی موردی زنان ازدواج کرده در شهرستان قروه» بیان کردند که نتایج حاکی از تفاوت های معنی دار قومی و مذهبی در الگوهای ازدواج بود به طوری که، زنان کرد و اهل تسنن دارای نسبت بالاتری از پیش رسی ازدواج، ازدواج ترتیب یافته و ازدواج خویشاوندی بوده اند. تحلیل چند متغیره ی داده ها نشان داد که با کنترل همزمان مشخصه ها، اگرچه تفاوت های قومی و مذهبی در الگوهای ازدواج از بین نمی رود و به شکل معنی داری باقی می ماند، اما تحت تأثیر مشخصه های اجتماعی- اقتصادی به شدت کاهش می یابد. به طور خلاصه، نتایج این مطالعه با فرضیه ی همانندی مشخصه ها انطباق بیش تری دارد.

عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران» نشان دادند الگوهای متمایز ازدواج در میان گروه های قومی در ایران وجود دارد. نتایج تحلیل چند متغیره نیز بیانگر این است که بعد از کنترل مشصه های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، تفاوت های قومی در الگوهای ازدواج باقی می ماند و به عبارتی قومیت نقش مستقلی در تبیین الگوهای ازدواج در ایران است. هرچند هنجارها و ارزش های قومی فرهنگی در ورای نوسازی اقتصادی اجتماعی اثر خود را اعمال نموده و به تفاوت در الگوهای ازدواج منجر شده است، با اینحال عوامل اقتصادی اجتماعی نیز در تعدیل و کاهش اثر قومیت نقش داشته است. مطالعات جمعیت شناسی - مردم شناسانه با بکارگیری روش های کیفی می تواند شناخت عمیق تری نسبت به تأثیر هنجارها، ارزشها و اعمال قومی بر الگوهای ازدواج و خانواده در ایران ارائه نماید.

سابال و همکاران (۲۰۰۹) بیان کردند که افراد متاهل به ویژه مردان بیشتر از افراد مجرد تمایل دارند نشان دهند که ازدواج نکرده اند. همچنین افراد در قومیت های مختلف در زمینه درگیر شدن در ازدواج و وزن بدن با هم تفاوت دارند. رابطه بین وضعیت تاهل و وزن بدن براساس اطلاعات مقطعی مرکز بهداشت و تغذیه ملی (NHANES) بین سال های ۱۹۹۹-۲۰۰۲ بر روی ۳۹۴۷ زن و ۴۰۱۹ مرد انجام شد. نتایج نشان داد که در مقایسه با مردان متاهل در همان قومیت، مردان مطلقه سفید پوست، مردان سیاه پوست هرگز ازدواج نکرده (مجرد)، همه مردان اسپانیایی به جز بیوه ها، شانس کمتری برای اضافه وزن داشتند. در مقایسه با زنان متاهل در همان قومیت، وزن زنان سفید پوست به طور قابل ملاحظه ای از لحاظ وضعیت زناشویی تفاوتی نداشت، زنان سیاه پوست جدا شده دارای شانس بیشتری برای اضافه وزن بودند و زنان اسپانیایی هرگز ازدواج نکرده (مجرد) شانس کمتری برای از دست دادن وزن داشتند. به نظر می رسد که انجمن های ازدواج با وزن بدن، حداقل تا حدودی وابسته به جنسیت و قومیت است، که ممکن است نشان دهنده الگوهای اجتماعی بزرگتر از دخالت در ازدواج، تعهد به خانواده و هنجارها و انتظارات وزن بدن باشد.

باربور و سلامه (۲۰۰۹) در بیروت لبنان، به بررسی رواج، توزیع و تعیین کننده های ازدواج خویشاوندی پرداختند. مطالعه آنها نشان داد که رواج ازدواج خویشاوندی، ۳۳/۳ درصد بوده است. آنها دریافتند که ازدواج خویشاوندی در بین زنان با تحصیلات پایین، زنانی که بیرون از خانه کار نمی کنند و زنانی که والدینشان ازدواج خویشاوندی داشته اند، بیشتر بوده است (به نقل از محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴).

آرنالدو^۱ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «قومیت و الگوهای ازدواج در موزامبیک» بیان کرد ازدواج در کشورهای جنوب صحرای آفریقا معمولاً به صورت زود هنگام در جهان شناخته شده است با این حال، الگوهای آن در کشورهای مختلف و حتی در میان گروه های مختلف فرهنگی متفاوت است. نتایج تجزیه و تحلیل چند متغیره در زمینه سن در اولین ازدواج و طلاق نشان داد که گروه های قومی تفاوت های معنی داری با هم دارند. پس از کنترل ویژگی های اقتصادی - اجتماعی و جمعیت شناختی زنان، گروه های قومی ماکائو و چاوابو دارای سن زود هنگام در اولین ازدواج و بیشترین طلاق نسبت به گروه های قومی تسونگا، سنا و نادو هستند.

لیاسویچ و همکارانش (۲۰۰۱) در مطالعه کشورهای آمریکای جنوبی دریافتند بالاترین میزان ازدواج خویشاوندی در برزیل و ونزوئلا و کمترین میزان آن در آرژانتین بوده است. آنها همچنین به این نتیجه دست یافتند که ازدواج دخترعمو و پسرعمو، نیمی از ازدواج های فامیلی را شامل می شود.

۳- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی می باشد. جامعه آماری تحقیق شامل همه ی زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله در شهرستان ماکو است. بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰، شهرستان ماکو ۸۸۸۶۳ نفر جمعیت دارد که ۴۴۹۳۷ نفر از آن ها مرد و ۴۳۹۲۶ نفر زن هستند. از این تعداد، ۱۴۱۴۵ مرد و ۱۳۳۸۰ زن در گروه سنی ۴۹-۱۵ سال دارای همسر بودند. در این پژوهش واحد تحلیل زن ازدواج کرده ی ۴۹-۱۵ ساله ای است که مورد مصاحبه قرار گرفته است. بر اساس فرمول کوکران با ۵ درصد خطا تعداد نمونه، ۳۸۴ نفر انتخاب شد از آنجا که پژوهش به صورت مقایسه ای می باشد، بنابراین تعداد زنان کرد و ترک برابر و هر کدام ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شدند. در این پژوهش نیز از روش نمونه

¹ - Carlos Arnaldo

گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. ابتدا چند محله از مناطق مختلف شهر به صورت خوشه ای انتخاب شدند و سپس درون هر خوشه با استفاده از نمونه گیری سیستماتیک افراد مورد بررسی انتخاب شدند. از دو شیوه برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز بهره گرفته شد. روش اول روش اسنادی می باشد که با مطالعه کتاب ها، مقالات و پایان نامه های ذی ربط با موضوع مورد مطالعه مطالب مرتبط با کارمان را استخراج کردیم. از این روش عمدتاً برای نوشتن مطالب فصول یک و دو استفاده شده است. برای جمع آوری داده های اصلی نیز که می بایست از فیلد و جامعه ی مورد مطالعه مان جمع می شد از روش پیمایشی و ابزار پرسش نامه محقق ساخته استفاده کردیم. برای پایایی همه متغیرها و شاخص ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. برای سنجش پایایی و انسجام درونی گویه ها، پرسشنامه بر روی ۳۰ نفر از افراد نمونه مورد مطالعه اجرا شد و با استفاده از آلفای کرونباخ انسجام درونی مقیاس ها سنجیده شد. روش آماری مورد استفاده در این پژوهش آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و از آمار استنباطی متناسب با داده ها- شامل آزمون تی دو نمونه مستقل، کای اسکور، رگرسیون چند متغیره و لجستیک- استفاده شد، تمامی تحلیل ها به کمک نرم افزار SPSS انجام شدند.

۴- یافته ها و نتایج

مطابق این بررسی، جدول ۴-۱- قومیت افراد نمونه مورد مطالعه، قومیت همسر پاسخگویان و توانایی صحبت به زبانی غیر از زبان مادری را نشان می دهد. بر این اساس، ۵۵ درصد از افراد نمونه ترک و حدود ۴۵ درصد کرد هستند. حدود ۸ درصد از زنان ترک زبان اعلام کردند که همسرشان کرد زبان است و این نسبت در بین زنان کرد زبان حدود ۹ درصد است که در واقع بیانگر ازدواج بین قومی است.

جدول ۴-۱: توزیع درصدی نمونه مورد مطالعه براساس متغیر قومیت

قومیت		طبقات	متغیرها
کرد	ترک		
۴۴/۷	۵۵/۳	قومیت پاسخگو	
۸/۴	۹۰/۷	ترک	قومیت همسر پاسخگو
۹۱	۸/۸	کرد	
۰/۶	۰/۵	سایر	
۸۱/۹	۵۰/۳	بلی	آیا در خانواده شما کسی به غیر از زبان مادری، به زبان دیگری صحبت می کند
۱۸/۱	۴۹/۷	خیر	
۸۸/۱	-	توانایی صحبت به زبان ترکی	توانایی صحبت به زبان دیگر
-	۴۸/۹	توانایی صحبت به زبان کردی	
۱۵۳	۱۹۶	تعداد نمونه	

همچنین از افراد نمونه مورد مطالعه پرسیده شد که «آیا در خانواده شما کسی به غیر از زبان مادری، به زبان دیگری صحبت می کند؟» ۶۴ درصد افراد نمونه گزینه «بلی» را انتخاب کردند. نتایج حاکی از این است که کرد زبان ها بیشتر از ترک زبان ها اعلام کرده اند که در خانواده شان کسی است که به غیر از زبان مادری به زبان دیگری صحبت می کند. همان طور که جدول ۴-۱ نشان می دهد ۸۸ درصد کرد زبان ها توانایی صحبت به زبان ترکی را دارند و این در حالی که است که ۴۹ درصد ترک زبان ها توانایی صحبت به زبان کردی را دارند.

۱-۴- ویژگی های جمعیتی نمونه و تفاوت های قومی آن

جدول ۴-۲، توزیع افراد نمونه مورد مطالعه را براساس سن و تحصیلات نشان می دهد. همان طور که نتایج آزمون کای اسکوتر نشان می دهد بین سن و قومیت رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین بین تحصیلات و قومیت رابطه معنی داری وجود دارد. سطح معنی داری به دست آمده در هر دو متغیر کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه می توان گفت که بین متغیرهای سن و تحصیلات با قومیت رابطه معنی داری وجود دارد. میانگین سنی زنان نمونه مورد مطالعه حدود ۳۳ سال می باشد. میانگین سنی زنان ترک زبان مورد بررسی حدود ۲ سال بیشتر از زنان کرد بوده است. بیشترین افراد نمونه مورد مطالعه در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال (۲۶ درصد) و بعد از آن گروه سنی ۳۰-۳۴ سال (۲۱ درصد) قرار دارند.

جدول ۴-۲: توزیع درصدی ویژگی های جمعیتی نمونه مورد مطالعه به تفکیک قومیت

متغیر	کل نمونه	قومیت		آزمون و سطح معنی داری
		کرد	ترک	
		۳۱/۶	۳۳/۸	
میانگین سنی	۳۲/۷۷			
گروه های سنی				
۱۵-۱۹	۲/۵	۳/۱	۱/۹	Chi-square= ۱۱/۸ ۰/۰۰۳
۲۰-۲۴	۱۰/۸	۵/۷	۱۶/۰	
۲۵-۲۹	۲۶/۳	۲۴/۹	۲۸/۲	
۳۰-۳۴	۲۱/۰	۱۹/۷	۲۳/۱	
۳۵-۳۹	۱۷/۶	۲۱/۲	۱۳/۵	
۴۰-۴۴	۹/۱	۱۱/۴	۵/۸	
۴۵-۴۹	۱۲/۷	۱۴/۰	۱۱/۵	
میزان تحصیلات				
بی سواد	۶/۸	۶/۲	۷/۷	Chi-square= ۱۵/۹ ۰/۰۱
نهضت و ابتدایی	۱۷/۹	۱۵/۰	۲۰/۵	
راهنمایی	۲۱/۰	۱۶/۱	۲۷/۶	
متوسطه و دیپلم	۳۸/۵	۴۵/۶	۳۰/۱	
دانشگاهی	۱۵/۸	۱۷/۱	۱۴/۱	
تعداد کل نمونه	۳۵۳	۱۹۳	۱۵۶	

براساس میزان تحصیلات، در کل نمونه افراد دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم با ۳۸/۵ درصد بیشترین درصد را به خود اختصاص داده اند. در بین زنان ترک زبان بعد از تحصیلات متوسطه و دیپلم، تحصیلات دانشگاهی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است. ولی در بین زنان کرد زبان بعد از تحصیلات متوسطه و دیپلم، تحصیلات راهنمایی دارای بیشترین درصد است. به طور کلی، سطح تحصیلات زنان ترک بیشتر از کرد بوده است. ۴۶ درصد زنان ترک تحصیلات متوسطه و دیپلم داشته اند. در مقایسه ۳۰ درصد زنان کرد در این سطح تحصیلی بوده اند. ۱۷ درصد زنان ترک در مقایسه با ۱۴ درصد زنان کرد تحصیلات دانشگاهی داشته اند.

۲-۴- تفاوت های قومی در وضعیت اقتصادی

جدول ۳-۴، توزیع درصدی و تفاوت های افراد نمونه مورد مطالعه را براساس متغیرهای شغل و نوع مسکن به تفکیک قومیت نشان می دهد. بر این اساس بین وضعیت اشتغال، وضعیت مسکن و درآمد ماهانه خانواده فرد با متغیر قومیت رابطه معنی داری وجود دارد، اما بین نوع شغل و قومیت رابطه معنی داری وجود ندارد.

در کل نمونه، به لحاظ وضعیت شغلی بیشترین درصد مربوط به زنان خانه دار با ۸۰ درصد می باشد. زنان کرد زبان حدود ۸ درصد بیشتر از زنان ترک زبان خانه دار هستند (۸۸ درصد در مقایسه با ۷۷ درصد). در زمینه اشتغال در کارهای تمام وقت و پاره وقت زنان ترک زبان روی هم رفته ۱۳ درصد شاغل بوده اند، در حالی که کمتر از ۳ درصد زنان کرد شاغل بوده اند.

جدول ۳-۴: توزیع درصدی نمونه مورد مطالعه براساس ویژگی های اقتصادی به تفکیک قومیت

آزمون معنی داری	قومیت		کل نمونه	طبقات	مولفه ها
	کرد	ترک			
Chi-square= ۱۴/۷ ۰/۰۰۱	۱/۳	۶/۸	۴/۳۰	شاغل تمام وقت	وضعیت اشتغال
	۱/۳	۶/۲	۴/۰	پاره وقت	
	۸۴/۶	۷۶/۶	۸۰/۱	خانه دار	
	۱۰/۹	۷/۸	۹/۴	دانشجو	
	۱/۹	۲/۶	۲/۳	سایر	
Chi-square= ۳/۹ ۰/۴۱	۵۰/۰	۲۸/۶	۳۵/۸	کشاورز و دامدار	شغل
	۲۷/۸	۲۵/۷	۲۶/۴	مغازه دار	
	۵/۶	۲۰/۰	۱۵/۱	کارمند	
	۱۶/۷	۲۲/۹	۲۰/۸	سایر	
Chi-square= ۲۸/۰ ۰/۰۰۱	۶۰/۸	۴۴/۳	۵۱/۷	ملکی	وضعیت مسکن
	۲۸/۸	۵۳/۱	۴۲/۲	اجاره ای	
	۵/۲	۲/۶	۳/۸	سازمانی	
	۴/۶	-	۲/۳	سایر	
	۱۵۳	۱۹۰	۳۵۳	تعداد نمونه	
Chi-square= ۲۰/۲ ۰/۰۰۱	۱۵/۰	۳/۲	۸/۶	زیر ۱ میلیون تومان	درآمد ماهانه خانوار
	۷۹/۷	۸۱/۹	۸۱/۱	۱ تا ۲ میلیون تومان	
	۵/۳	۱۴/۸	۱۰/۳	۲ میلیون تومان به بالا	
	۱۶۰۳۷۵۹	۱۸۵۷۷۰۹	۱۷۴۰۰۰۰	میانگین درآمد ماهانه خانوار	
	۱۶	۳۹	۵۵	تعداد نمونه	

از نظر وضعیت مسکن، ۵۲ درصد کل نمونه اعلام کردند مسکن آن ها ملکی است. این نسبت در بین کرد زبان ها ۶۱ درصد و ترک زبان ها ۴۴ درصد بوده است.

میانگین درآمد ماهانه خانوار پاسخگویان ۱،۷۴۰،۰۰۰ تومان است. ۸۱ درصد پاسخگویان درآمد خانوارشان در ماه بین ۱ تا ۲ میلیون تومان بوده است. میزان درآمد ماهانه ترک ها بیشتر از کردها بوده است. ۱۵ درصد کردها در مقایسه با ۳ درصد ترک ها زیر یک میلیون تومان در ماه درآمد خانوارشان بوده است. این در حالی است که ۱۵ درصد ترک ها در مقایسه با ۵ درصد کردها درآمد ماهانه خانوارشان بیشتر از دو میلیون تومان بوده است. بدین ترتیب، وضعیت مالی و درآمدی ترک ها بهتر از کردها در نمونه مورد بررسی بوده است.

۳-۴- تفاوت های قومی در الگوهای ازدواج

جدول ۴-۴، توزیع نمونه زنان مورد مطالعه را براساس متغیر سن واقعی و ایده آل ازدواج به تفکیک دو گروه قومیتی کرد و ترک نشان می دهد. نتایج آزمون t نشان می دهد که میانگین سن در اولین ازدواج، میانگین سن مناسب ازدواج برای پسران و دختران بین دو گروه قومیتی تفاوت معنی داری وجود دارد.

میانگین سن در اولین ازدواج در کل نمونه ۲۰/۴ سال می باشد. پایین ترین سن ازدواج ۱۴ و بالاترین سن ازدواج ۳۶ سال می باشد. میانگین سن در اولین ازدواج در بین زنان ترک (۲۱ سال) بیشتر از زنان کرد (۲۰ سال) است.

جدول ۴-۴: توزیع نمونه مورد مطالعه براساس متغیر سن واقعی و ایده آل ازدواج به تفکیک قومیت

متغیرها	شاخص مرکزی	کل نمونه	قومیت		آزمون معنی داری
			کرد	ترک	
برای اولین بار در چند سالگی ازدواج کردید	میانگین (سال)	۲۰/۴۴	۲۰	۲۱	$t = ۳/۵$ ۰/۰۰۱
	انحراف معیار	۳/۲	۲/۴	۳/۷	
	پایین ترین	۱۴	۱۵	۱۴	
	بالاترین	۳۶	۲۶	۳۶	
	تعداد نمونه	۳۴۷	۱۵۴	۱۹۳	
بهتر است پسر در چه سنی ازدواج کند	میانگین (سال)	۲۷/۱۴	۲۶/۷	۲۷/۳۸	$t = ۲/۱۰$ ۰/۰۳
	انحراف معیار	۷/۵	۲/۶	۳/۲	
	پایین ترین	۱۸	۱۸	۱۸	
	بالاترین	۳۵	۳۵	۳۲	
	تعداد نمونه	۳۵۰	۱۵۵	۱۹۲	
بهتر است دختر در چه سنی ازدواج کند	میانگین (سال)	۲۲/۰۳	۲۱	۲۳	$t = ۷/۲$ ۰/۰۰۱
	انحراف معیار	۷/۴	۲/۴	۲/۶	
	پایین ترین	۱۴	۱۴	۱۷	
	بالاترین	۲۶	۲۶	۲۶	
	تعداد نمونه	۳۴۹	۱۵۴	۱۹۲	

همچنین براساس نظر پاسخگویان، میانگین سن مناسب ازدواج برای پسران ۲۷ و برای دختران ۲۲ سال می باشد. میانگین سن مناسب برای ازدواج پسران در بین کرد زبان ها (۲۶/۷ سال) کمتر از ترک زبان ها (۲۷/۴ سال) است. همچنین میانگین سن مناسب برای ازدواج دختران، در بین کردها (۲۱ سال) کمتر از ترک ها (۲۳ سال) بوده است. بنابراین میانگین سن واقعی و ایده آل ازدواج ترک ها بیشتر از کردها بوده است.

جدول ۴-۵: توزیع نمونه مورد مطالعه براساس متغیر ازدواج خویشاوندی و نحوه انتخاب همسر به تفکیک قومیت را نشان می دهد. بر اساس آزمون کای اسکور بین متغیر نسبت خویشاوندی با همسر و نحوه انتخاب همسر با قومیت رابطه معنی داری وجود ندارد.

ازدواج فامیلی نزدیک با ۳۶ درصد بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. ازدواج خویشاوندی نزدیک و دور در بین کردها بیشتر از ترک ها بوده است. در مقابل، ازدواج با غیرخویشاوند در بین ترک ها (۳۶ درصد) بیشتر از کردها (۲۸ درصد) بوده است.

جدول ۴-۵: توزیع درصدی نمونه مورد مطالعه براساس متغیر ازدواج خویشاوندی و نحوه انتخاب همسر به تفکیک قومیت

متغیرها	طبقات	کل نمونه	قومیت		آزمون معنی داری
			ترک	کرد	
نسبت خویشاوندی با همسر	خویشاوند نزدیک (درجه اول)	۳۵/۸	۳۴/۲	۳۷/۸	Chi-square= ۲/۶ ۰/۲۶
	خویشاوند دور (درجه دوم)	۳۱/۸	۳۰/۱	۳۴/۶	
	غیرخویشاوند	۳۲/۴	۳۵/۸	۲۷/۶	
نحوه انتخاب همسر	انتخاب خود/مخالفت خانواد	۱۱/۸	۱۲/۰	۱۱/۷	Chi-square= ۲/۷ ۰/۸۴
	انتخاب خود/موافقت خانواد	۴۷/۱	۴۸/۴	۴۴/۸	
	انتخاب خانواده/موافقت فرد	۳۴/۲	۳۳/۳	۳۵/۷	
	انتخاب خانواده/مخالفت فرد	۵/۷	۵/۲	۶/۵	
	تعداد نمونه	۳۵۳	۱۹۳	۱۵۶	

همچنین در کل نمونه مورد مطالعه در مورد نحوه انتخاب همسر، دو گزینه انتخاب خود فرد با موافقت خانواده و انتخاب خانواده با موافقت فرد به ترتیب با ۴۷ و ۳۴ درصد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده اند. به بیان دیگر، ازدواج شبه ترتیب یافته یا شبه خود انتخابی بیشتر بوده است. ۱۲ درصد ازدواج اجباری و حدود ۶ درصد ازدواج ها کاملاً خودانتخابی داشته اند. ازدواج اجباری در بین ترک ها اندکی بیشتر از کردها بوده است و در مقابل ازدواج خودانتخابی در بین کردها اندکی بیشتر از ترک ها بوده است.

جدول ۴-۶، توزیع درصدی نمونه مورد مطالعه براساس نگرش افراد نسبت به ازدواج خویشاوندی و ازدواج بین قومی به تفکیک قومیت را نشان می دهد. براساس آزمون کای اسکور در مورد نگرش نسبت به نوع ازدواج پسر با قومیت رابطه معنی داری وجود دارد، از سوی دیگر در زمینه نوع ازدواج دختر (ازدواج خویشاوندی و بین قومی) با قومیت رابطه معنی داری وجود ندارد.

تمایل به ازدواج پسر با دختری از خویشاوند درجه اول در بین کردها بیشتر از ترک ها بوده است. در مقابل ترجیح ازدواج پسر با خویشاوند دور و همچنین غیرخویشاوند در بین ترک ها بیشتر از کردها می باشد.

جدول ۴-۶: توزیع درصدی نمونه مورد مطالعه براساس نگرش افراد نسبت به ازدواج خویشاوندی و ازدواج بین قومی به تفکیک قومیت

متغیرها	طبقات	کل نمونه	قومیت		آزمون معنی داری
			ترک	کرد	
دوست دارید پسر شما با چه دختری ازدواج کند	خویشاوند نزدیک (درجه اول) خویشاوند دور (درجه دوم) غیر خویشاوند	۳۰/۳ ۳۶/۷ ۳۲/۹	۲۰/۹ ۴۲/۹ ۳۶/۱	۴۲/۸ ۲۸/۹ ۲۸/۳	Chi-square= ۱۹/۲ ۰/۰۰۱
دوست دارید دختر شما با چه کسی ازدواج کند	خویشاوند نزدیک (درجه اول) خویشاوند دور (درجه دوم) غیر خویشاوند	۵۹/۵ ۲۶/۵ ۱۴	۵۸/۹ ۲۸/۶ ۱۲/۵	۶۰/۹ ۲۳/۷ ۱۵/۴	Chi-square= ۱/۳ ۰/۵۰
تمایل به ازدواج پسرشان با دختری هم قوم (همزبان) یا قومیت دیگر	قوم خود قوم دیگر فرقی نمی کند	۴۶/۳ ۵/۴ ۴۶/۳	۳۱/۱ ۷/۸ ۶۰/۶	۶۵/۴ ۲/۶ ۳۲/۱	Chi-square= ۴۱/۶ ۰/۰۰۱
تمایل به ازدواج دخترشان با پسری هم قوم (همزبان) یا قومیت دیگر	قوم خود قوم دیگر فرقی نمی کند	۸۲/۷ ۲/۸ ۱۴/۵	۸۰/۸ ۳/۶ ۱۵/۵	۸۴/۶ ۱/۹ ۱۳/۵	Chi-square= ۱/۲ ۰/۵۲
تعداد نمونه			۱۹۳	۱۵۶	

در مورد نگرش به ازدواج دختران در هر دو گروه قومی بیشتر ترجیح می دهند با فامیل نزدیک ازدواج کنند. هر چند این تمایل در بین زنان کرد اندکی بیشتر از زنان ترک بوده است

بعلاوه از پاسخگویان در مورد ازدواج دختر و پسر با فردی از قوم خود (همزبان) سوال شد، ۴۶ درصد افراد نمونه اعلام کردند که بهتر است پسرشان با دختری از قومیت خود ازدواج کند و ۴۶ درصد هم اعلام کردند که ازدواج پسرشان با دختری از قومیت خود یا قومیت دیگر فرقی نمی کند. زنان کرد (۶۵ درصد) دو برابر بیشتر از زنان ترک (۳۱ درصد) تمایل به ازدواج پسرشان با دختری از قومیت خود دارند. در مقابل زنان ترک دو برابر بیشتر از زنان کرد اعلام کردند که ازدواج پسرشان با دختری از قومیت خود یا قومیت دیگر فرقی نمی کند. اما در زمینه ازدواج دختر با پسری از قومیت خود یا قومیت دیگر، ۸۰ درصد افراد در هر دو گروه قومیتی تمایل به ازدواج دختر با فردی از قومیت خود دارند. این تمایل در بین کردها اندکی بیشتر از ترک ها بوده است.

جدول ۴-۷، میزان تغییرات شدت رابطه اولیه قومیت و سن مناسب برای ازدواج پسر را بعد از ورود متغیرهای قوم گرایی (مرحله دوم) و اضافه شدن متغیرهای جمعیتی - اقتصادی (مرحله سوم) به معادله نشان می دهد. براین اساس، با کنترل متغیر قوم گرایی، شدت رابطه (بتا) قومیت و سن مناسب برای ازدواج پسر از ۰/۱۸۲ به ۰/۱۰۱ در مرحله دوم می رسد. در مرحله سوم با ورود همه متغیرهای جمعیتی - اقتصادی

شدت رابطه قومیت با سن مناسب برای ازدواج پسر به ۰/۰۴۴ می رسد. از این رو، با کنترل همزمان تمام مشخصه ها، تاثیر قومیت بر سن مناسب برای ازدواج پسر کمتر شده و معنادار نیست.

علاوه بر این، در مدل نهایی قومیت تاثیر معناداری بر متغیر سن مناسب برای ازدواج پسر نداشت. متغیرهای قوم گرایی، سن، تحصیلات، سن در اولین ازدواج، میزان درآمد ماهانه و وضعیت اشتغال به ترتیب دارای اثر بیشترین مثبت بر سن مناسب برای ازدواج پسر هستند. در مجموع این متغیرها حدود ۳۸ درصد واریانس متغیر وابسته (سن مناسب برای ازدواج پسر) را تبیین کرده اند.

جدول ۴-۷: نتایج رگرسیون چندمتغیره تاثیر قومیت و سایر متغیرها بر سن مناسب برای ازدواج پسر مورد بررسی

مشخصه ها	مدل ۱			مدل ۲			مدل ۳		
	sig	Beta	B	sig	Beta	B	sig	Beta	B
قومیت (ترک = ۰، کرد = ۱)	۰/۰۰۱	۰/۱۸۲	۰/۱۹۸	۰/۰۱۳	۰/۱۰۱	۰/۱۶۹	۰/۰۶۳	۰/۰۴۴	۰/۱۰۹
قوم گرایی				۰/۰۰۱	-۰/۵۷۱	-۰/۲۰۶	۰/۰۰۱	-۰/۲۵۵	-۰/۱۷۰
سن							۰/۰۰۱	-۰/۱۸۶	-۰/۰۹۱
تحصیلات (سال های تحصیل)							۰/۰۰۱	۰/۱۳۲	۰/۱۰۶
وضعیت اشتغال (غیر شاغل = ۰، شاغل = ۱)							۰/۰۲۴	۰/۰۹۱	۰/۱۱۴
میزان درآمد ماهانه خانواده							۰/۰۲۱	۰/۰۹۷	۰/۱۰۷
سن در اولین ازدواج							۰/۰۰۱	۰/۱۱۰	۰/۱۴۲
R	۰/۲۹			۰/۵۶			۰/۶۳		
R^2	۸/۴			۳۱/۳			۳۹/۷		
Adjusted R^2	۷/۵			۳۰/۱			۳۸/۲		
F	۱۳/۲			۲۳/۶			۴۰/۸		
Sig	۰/۰۰۱			۰/۰۰۱			۰/۰۰۱		

جدول ۴-۸ میزان تغییرات شدت رابطه اولیه قومیت و سن مناسب برای ازدواج دختر را بعد از ورود متغیرهای قوم گرایی (مرحله دوم) و اضافه شدن متغیرهای جمعیتی - اقتصادی (مرحله سوم) به معادله نشان می دهد. براین اساس، با کنترل متغیر قوم گرایی، شدت رابطه (بتا) قومیت و سن مناسب برای ازدواج دختر از ۰/۲۱۱ به ۰/۱۷۴ در مرحله دوم می رسد. در مرحله سوم با ورود همه متغیرهای جمعیتی - اقتصادی شدت رابطه قومیت با سن مناسب برای ازدواج دختر به ۰/۱۵۲ می رسد. از این رو، با کنترل همزمان تمام مشخصه ها، هر چند تاثیر قومیت بر سن مناسب برای ازدواج دختر کمتر شده اما همچنان معنادار است.

علاوه بر این، در مدل نهایی متغیرهای قوم گرایی، تحصیلات، قومیت، وضعیت اشتغال، سن در اولین ازدواج و میزان درآمد ماهانه به ترتیب دارای اثر بیشترین مثبت بر سن مناسب برای ازدواج دختر هستند. در مجموع این متغیرها حدود ۴۱ درصد واریانس متغیر وابسته (سن مناسب برای ازدواج دختر) را تبیین کرده اند.

جدول ۴-۸: نتایج رگرسیون چندمتغیره تاثیر قومیت و سایر متغیرها بر سن مناسب برای ازدواج دختر مورد بررسی

مدل ۳			مدل ۲			مدل ۱			مشخصه ها
sig	Beta	B	sig	Beta	B	sig	Beta	B	
۰/۰۰۱	۰/۱۵۲	۰/۱۲۵	۰/۰۰۱	۰/۱۷۴	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱	۰/۲۱۱	۰/۲۳۰	قومیت (ترک = ۰، کرد = ۱)
۰/۰۰۱	-۰/۲۶۱	-۰/۱۵۳	۰/۰۰۱	-۰/۵۵	-۰/۲۰۶				قوم گرایی
۰/۰۰۱	۰/۱۰۷	۰/۱۴۸							سن
۰/۰۰۱	۰/۱۶۶	۰/۱۱۰							تحصیلات (سال های تحصیل)
۰/۰۰۱	۰/۱۳۹	۰/۱۴۲							وضعیت اشتغال (غیر شاغل = ۰، شاغل = ۱)
۰/۰۰۲	۰/۱۰۰	۰/۱۱۳							میزان درآمد ماهانه خانواده
۰/۰۰۱	۰/۱۱۲	۰/۱۰۵							سن در اولین ازدواج
۰/۶۵			۰/۵۷			۰/۳۲			R
۴۲/۲			۳۲/۵			۱۰/۲			R ²
۴۱/۰۷			۳۲/۰۱			۹/۶			Adjusted R ²
۳۳/۴			۲۷/۴			۱۶/۷			F
۰/۰۰۱			۰/۰۰۱			۰/۰۰۱			Sig

جدول ۴-۹، نتایج آزمون تحلیل رگرسیون لجستیک را نشان می دهد. آزمون لجستیک برای متغیرهای نسبت خویشاوندی با همسر، نوع ازدواج فرزند پسر و دختر اجرا شد. همان طور که جدول نشان می دهد، قومیت تاثیر معنی داری بر نسبت خویشاوندی با همسر دارد. همچنین وضعیت اشتغال با نسبت خویشاوندی با همسر رابطه معنی داری دارد و این نشان می دهد که در بین افراد غیرشاغل، احتمال ازدواج خویشاوندی بیشتر می شود. در زمینه تحصیلات، می توان گفت که تحصیلات نهضت و ابتدایی و بی سواد تاثیر معنی داری بر نسبت خویشاوندی با همسر دارند اما تحصیلات راهنمایی، متوسطه و دیپلم هیچ تاثیر معنی داری بر متغیر وابسته (نسبت خویشاوندی با همسر) ندارند. همچنین یافته ها نشان می دهد با کاهش پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان، نسبت خویشاوندی با همسر افزایش می یابد. متغیر قوم گرایی بر نسبت خویشاوندی با همسر تاثیر معنی داری دارد. این در حالی است که سن ازدواج نقشی در نسبت خویشاوندی با همسر ندارد.

جدول ۴-۹: پیش بینی احتمال موافقت زنان با ازدواج خویشاوندی با استفاده از رگرسیون لجستیک

متغیرهای مستقل		نسبت خویشاوندی با همسر		نوع ازدواج پسر		نوع ازدواج دختر	
		Exp(B)	sig	Exp(B)	sig	Exp(B)	sig
قومیت	ترک(مرجع) کرد	۰/۰۰۱	۰/۹۱۲	۰/۰۱۱	۰/۸۲۴	۰/۰۶۳	۰/۵۲۷
اشتغال	شاغل(مرجع) غیرشاغل	۰/۰۰۱	۱/۰۸۴	۰/۰۰۱	۰/۹۳۹	۰/۰۱۴	۰/۷۸۱
تحصیلات	دانشگاهی(مرجع) متوسطه و دیپلم	۰/۶۰۲	۰/۱۰۰	۰/۰۷۲	۰/۱۱۲	۰/۸۸۳	۰/۱۰۱
	راهنمایی	۰/۰۶۲	۰/۲۳۹	۰/۱۵۱	۰/۱۳۴	۰/۰۷۰	۰/۲۲۲
	نهضت و ابتدایی	۰/۰۰۱	۰/۸۴۱	۰/۰۰۱	۰/۸۵۴	۰/۰۲۰	۰/۷۶۹
	بی سواد	۰/۰۰۱	۱/۰۲۴	۰/۰۰۱	۰/۸۳۱	۰/۰۰۱	۱/۰۰۴
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	بالا(مرجع) متوسط	۰/۰۰۱	۰/۹۲۲	۰/۰۰۱	۰/۷۸۶	۰/۰۰۱	۰/۷۹۴
	پایین	۰/۰۰۱	۰/۹۱۳	۰/۰۰۱	۰/۷۵۹	۰/۰۰۱	۰/۸۲۸
قوم گرایی		۰/۰۰۱	۱/۰۲۴	۰/۰۰۱	۱/۰۸۰	۰/۰۰۱	۱/۰۰۶
سن ازدواج		۰/۰۸۴	۰/۵۹۱	۰/۰۰۱	۰/۹۱۶	۰/۰۰۱	۰/۸۹۴
Cox & Snell R ²		۰/۱۵۲		۰/۱۶۷		۰/۱۳۰	
Nagelkerke R ²		۰/۱۹۱		۰/۱۹۸		۰/۲۰۱	

در زمینه نوع ازدواج پسر(تمایل زنان به ازدواج پسرشان با دختری از خویشاوند یا غیرخویشاوند) یافته ها نشان می دهد که قومیت تاثیر معنی داری بر متغیر تمایل زنان به ازدواج پسرشان با دختری از خویشاوند دارد. زنان غیرشاغل بیشتر موافق ازدواج پسرشان با دختری از میان خویشاوندان هستند. تحصیلات راهنمای، متوسطه و دیپلم تاثیر بر نوع ازدواج پسر ندارد اما زنان بی سواد و دارای تحصیلات ابتدایی تمایل بیشتری دارند تا پسرشان با دختری از خویشاوندان ازدواج کنند. علاوه براین پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، متوسط، قوم گرایی و سن ازدواج تاثیر معنی داری بر احتمال موافقت زنان با ازدواج پسرشان با دختری از خویشاوند دارند.

نتایج مربوط به نوع ازدواج دختر(تمایل زنان به ازدواج دخترشان با پسری از خویشاوند یا غیرخویشاوند) نشان می دهد که قومیت تاثیری بر احتمال موافقت با ازدواج دختر با پسری از خویشاوندان ندارد. زنان غیرشاغل، بی سواد و دارای تحصیلات نهضت و ابتدایی بیشتر موافق ازدواج دخترشان با پسری از خویشاوند هستند. در مقابل تحصیلات راهنمایی، متوسطه و دیپلم رابطه ای با نوع ازدواج دختر ندارند. همچنین زنان با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، متوسط و قوم گرایی بالا بیشتر از سایرین موافق ازدواج دخترشان با پسری از خویشاوند هستند. در نهایت سن ازدواج زنان نیز تاثیر معنی دار بر احتمال موافقت زنان با ازدواج خویشاوندی دخترشان دارند.

۵- بحث و نتیجه گیری

نتایج تحلیل دو متغیره نشان داد که میانگین سن در اولین ازدواج در بین زنان ترک (۲۱ سال) بیشتر از زنان کرد (۲۰ سال) است. میانگین سن در اولین ازدواج، میانگین سن مناسب ازدواج برای پسران و دختران بین دو گروه قومیتی تفاوت معنی داری وجود دارد. میانگین سن مناسب برای ازدواج پسران در بین کرد زبان ها (۲۶/۷ سال) کمتر از ترک زبان ها (۲۷/۴ سال) است. همچنین میانگین سن مناسب برای ازدواج دختران، در بین کردها (۲۱ سال) کمتر از ترکها (۲۳ سال) بوده است. بنابراین میانگین سن واقعی و ایده آل ازدواج ترک ها بیشتر از کردها بوده است. زنان دو گروه قومی، برخلاف سایر الگوهای ازدواج، از ازدواج خویشاوندی قابل توجهی برخوردار بوده اند، به طوری که در هر دو گروه قومی بیش از ۶۰ درصد ازدواج آنان از نوع خویشاوندی (نزدیک یا دور) بوده است. ازدواج خویشاوندی نزدیک و دور در بین کردها بیشتر از ترک ها بوده است. در مقابل، ازدواج با غیرخویشاوند در بین ترک ها (۳۶ درصد) بیشتر از کردها (۲۸ درصد) بوده است. ازدواج اجباری در بین ترک ها اندکی بیشتر از کردها بوده است و در مقابل ازدواج خودانتخابی در بین کردها اندکی بیشتر از ترک ها بوده است. در مورد نگرش نسبت به نوع ازدواج پسر با قومیت رابطه معنی داری وجود دارد، از سوی دیگر در زمینه نوع ازدواج دختر (ازدواج خویشاوندی و بین قومی) با قومیت رابطه معنی داری وجود ندارد. حسینی و بگی (۱۳۹۵)، در پژوهش خود نشان دادند که ۳۶/۹ درصد ازدواج ها از نوع خویشاوندی است که در این میان، ۲۳/۲ درصد زنان با خویشاوندان نزدیک خود ازدواج کرده اند. بر پایه این بررسی، ازدواج خویشاوندی با سطح تحصیلات زنان رابطه ای معکوس دارد. زنانی که ازدواج خویشاوندی را تجربه کرده اند، بیشتر از سایرین موافق ازدواج فرزندان با خویشاوندان می باشند و تفاوتی در نگرش آنها نسبت به ازدواج فرزندان دختر و یا پسر با فردی از افراد فامیل وجود ندارد. تحلیل های چند متغیره نشان داد زنانی که از استقلال بیشتری برخوردارند، سرمایه ی فرهنگی بالاتری دارند و نیز آنهایی که تحصیلات دانشگاهی دارند، بیشتر از سایرین مخالف ازدواج فرزندان با خویشاوندان می باشند. نتایج، گویای آن است که تأثیر نیروهای نوسازی در تغییر الگوهای ازدواج در شهر مهاباد به طور همزمان در همه لایه های اجتماعی ظهور و بروز نیافته است. بنابراین می توان گفت ارزش های فرهنگی ازدواج در تعیین سن ازدواج از اهمیت بالایی برخوردار است و تفاوت های قومی همچنان منبع مهم تفاوت در مشخصه های سن و الگوی ازدواج است. همچنین نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که با کنترل همزمان تمام مشخصه ها، تأثیر قومیت بر سن مناسب برای ازدواج پسر کمتر شده و معنادار نیست. اما در زمینه سن مناسب برای ازدواج دختر همچنان معنادار است. نتایج این بررسی حاکی از آن است که نیروهای مرتبط با نوسازی تا حدودی توانسته اند بر شکاف میان رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج برای پسران بکاهند. نتایج آزمون تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که در بین زنان کرد زبان، غیرشاغل، بی سواد، دارای تحصیلات نهضت و ابتدایی، دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین و متوسط و با میزان قوم گرایی بالا، احتمال ازدواج خویشاوندی بیشتر می شود. در زمینه نوع ازدواج پسر در بین زنان کرد زبان، غیرشاغل بی سواد و دارای تحصیلات ابتدایی، دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، متوسط و قوم گرایی بالا تمایل بیشتری دارند تا پسرشان با دختری از خویشاوندان ازدواج کنند. علاوه بر این سن ازدواج تأثیر معنی داری بر احتمال موافقت زنان با ازدواج پسرشان با دختری از خویشاوند دارد. در زمینه نتایج مربوط به نوع ازدواج دختر، زنان غیرشاغل، بی سواد و دارای تحصیلات نهضت و ابتدایی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، متوسط و قوم گرایی بالا بیشتر از سایرین موافق ازدواج دخترشان با پسری از خویشاوند هستند.

بنابراین می توان گفت که متغیرهای فرهنگی می تواند در کنار سایر مشخصه های فردی بر نگرش زنان در الگوی ازدواج خویشاوندی فرزندان تأثیر بگذارد. به نظر می رسد که قومیت و قوم گرایی به عنوان نیروهای فرهنگی، نقش مؤثری در الگوهای تشکیل خانواده ایرانی دارند که همسو با مطالعات قبلی (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۸؛ عباسی شوازی و خانی، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۵) است. به یک معنا، اگرچه ممکن است که نقش عوامل نیروهای فرهنگی در نتیجه تغییرات ساختاری و نوسازی در جامعه تضعیف گردد اما همچنان نقش معنادار خود را حفظ می کنند (عباسی شوازی و خانی، ۱۳۸۸؛ حسینی، ۱۳۸۹). یافته های به دست آمده با پژوهش های (حسینی و بگی، ۱۳۹۵؛ توده فلاح و کاظمی پور، ۱۳۸۹؛ عباسی شوازی و خانی، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۵؛ باربور و سلامه، ۲۰۰۹؛ آرنالدو، ۲۰۰۵؛ لیا سوییچ و همکارانف ۲۰۰۱) مطابقت و همخوانی دارد. به عنوان مثال نتایج پژوهش عباسی شوازی و

خانی (۱۳۸۸) حاکی از تفاوت‌های معنی‌دار قومی و مذهبی در الگوهای ازدواج بود به طوری که، زنان کرد و اهل تسنن دارای نسبت بالاتری از پیش‌رسی ازدواج، ازدواج ترتیب‌یافته و ازدواج خویشاوندی بوده‌اند. تحلیل چند متغیره‌ی داده‌ها نشان داد که با کنترل هم‌زمان مشخصه‌ها، اگرچه تفاوت‌های قومی و مذهبی در الگوهای ازدواج از بین نمی‌رود و به شکل معنی‌داری باقی می‌ماند، اما تحت تأثیر مشخصه‌های اجتماعی - اقتصادی به شدت کاهش می‌یابد. باربور و سلامه (۲۰۰۹) در بیروت لبنان، به بررسی رواج، توزیع و تعیین کنندگی ازدواج خویشاوندی پرداختند. مطالعه آنها نشان داد که رواج ازدواج خویشاوندی، ۳۳/۳ درصد بوده است. آنها دریافتند که ازدواج خویشاوندی در بین زنان با تحصیلات پایین، زنانی که بیرون از خانه کار نمی‌کنند و زنانی که والدینشان ازدواج خویشاوندی داشته‌اند، بیشتر بوده است (به نقل از محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴).

شکل‌گیری خانواده، زمان ازدواج، تاخیر و تعجیل در آن، رابطه‌ی نسبی قبل از ازدواج و نحوه‌ی انتخاب همسر مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده ساختار خانواده، تحکیم پیوندها و روابط خانوادگی و اجتماعی در گروه‌های قومی و اجتماعی هستند (کوشی، ۱۳۸۳). بی‌تردید، در اجتماعات چندقومی و چندفرهنگی، مانند ایران، تأثیر نیروهای نوسازی و عوامل تغییر به طور ناهمزمان و در طول زمان خواهد بود. بنابراین، انتظار نمی‌رود که افراد در بسترهای مختلف قومی - فرهنگی به میزان یکسانی تحت تأثیر نیروهای نوسازی و عوامل اقتصادی - اجتماعی تغییر در ارزشها و هنجارهای مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده قرار بگیرند. برای اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی الگوهای ازدواج (سن ازدواج، سن مناسب ازدواج برای دختران و پسران، ازدواج خویشاوندی، نحوه انتخاب همسر و ...) در بین دو گروه قومی کرد و ترک شهرستان ماکو می‌باشد.

همچنین می‌توان گفت نیروهای نوسازی در تعامل با ساختارهای اجتماعی و عوامل قومی - فرهنگی، تأثیرهای متفاوتی بر الگوهای ازدواج در بسترها و زمینه‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی می‌گذارند. با این وجود اگر چه در دهه‌های اخیر شاهد تغییرات مهمی در الگوهای ازدواج در کشور بوده ایم که موید شکل‌گیری ارزش‌های فرهنگی غیرسنتی در حوزه بازخورد نسبت به خانواده و ازدواج است اما تفاوت‌های قومی به طور پایدار و مستقل همچنان منبع مهم تفاوت در مشخصه‌های مربوط به ازدواج و همسرگزینی است. داشتن فرهنگ خاص، تاریخ اجتماعی، ارزش‌ها، آداب و رسوم و باورهای رایج در میان گروه‌های قومی می‌تواند توضیح‌دهنده برخی از تفاوت‌ها در زمینه الگوهای ازدواج باشد. بر این اساس، نمی‌توان در سیاستگذاری‌های جمعیتی، به ویژه سیاست‌های معطوف به ازدواج و تشکیل خانواده، نسخه‌ی واحدی برای همه قسمت‌های مختلف ایران پیچید. متناسب با نوع تغییرات و سطح و شدت آن، سیاستگذاری‌ها می‌تواند متفاوت باشد. در برنامه‌های توسعه کشوری مقوله قومیت‌ها گنجانده شود زیرا نمی‌توان یک برنامه و سیاست جمعیتی خاص را برای تمام گروه‌های قومی اتخاذ و اجرا نمود. همچنین انجام پژوهش در زمینه ارتباط حمایت‌های عاطفی و اجتماعی با الگوهای ازدواج در بین دو گروه قومی کرد و ترک می‌تواند تصویر جامع‌تری را ارائه دهد.

منابع

- آستین افشان، پروانه (۱۳۸۰) «بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی- جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- ترابی، فاطمه (۱۳۸۵)، **بررسی ابعاد اجتماعی، فرهنگی و جمعیت شناختی ازدواج خویشاوندی در ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- جبرائیلی، هاشم و طاهری، مهدی (۱۳۹۱)، نقش ارزش‌های فرهنگی در ترجیح‌های ازدواج و تفاوت‌های سنی زوجین، **روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی**، شماره ۴۰، ۴۵۱-۴۲۲.
- حاجیان مقدم، فاطمه (۱۳۹۴) **طراحی الگوی خانواده مستحکم**، رساله دکتری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ص ۳۰-۷.
- حسینی، حاتم (۱۳۹۱) تفاوت‌های قومی در رفتار ازدواج زنان و نگرش آنها نسبت به ازدواج دختران در شهرستان ارومیه، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، س ۵، ۹۰ ص ۷-۲۸.
- حسینی، حاتم و بگی، میلاد (۱۳۹۵)، بررسی دیدگاه زنان کرد نسبت به الگوی ازدواج خویشاوندی در مهاباد، **مطالعات اجتماعی، روان‌شناختی زنان**، شماره ۱، ۱۸۵-۱۵۵.
- حسینی، حاتم و عباسی شوازی، محمد جلال (۱۳۸۸) تغییرات اندیشه‌ای و تأثیرات آن بر رفتار و ایده آل‌های باروری زنان کرد و ترک، **مجله پژوهش زنان**، دوره ۷، شماره ۲، ۸۴-۵۵.
- حسینی، حاتم و گراوند، مریم (۱۳۹۲)، سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهدشت، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۱، ۱۱۸-۱۰۱.
- سحابی، جلیل، خانی، سعید و خانی اسعد (۱۳۹۲)، الگوهای ازدواج و ارتباط آن با رضایت زناشویی؛ مورد مطالعه دانشجویان همسرمدار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنجن، **مطالعات جامعه‌شناختی جوانان**، شماره دوازدهم، ۱۱۲-۷۷.
- سرایبی، حسن و اوجاقلو، سجاد (۱۳۹۲)، مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران؛ مطالعه موردی: زنان شهر زنجان، **مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، شماره ۴، ۴۳-۲۰.
- سرایبی، حسن (۱۳۸۵) **تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران**، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲.
- عباسی شوازی، محمد جلال و ترابی، فاطمه (۱۳۸۵)، سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، سال اول، شماره ۲، ۸۸-۶۱.
- عباسی شوازی، محمد جلال و خانی، سعید (۱۳۸۸) الگوهای ازدواج، قومیت و مذهب: بررسی موردی زنان ازدواج کرده در شهرستان قروه، **نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، سال چهارم، شماره ۷ ص ۶۳-۳۵.
- عباسی شوازی، محمد جلال و صادقی، رسول (۱۳۸۵)، قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، **پژوهش زنان**، دوره ۳، شماره ۱، ۴۷-۲۵.
- عظیمی هاشمی، مژگان، اعظم کاری، فائزه، بیگانه، معصومه و رضامنش، فاطمه (۱۳۹۴) ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج، **راهبرد فرهنگ**، شماره ۲۹، ۲۰۴-۱۸۰.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) **عصر اطلاعات قدرت و هویت**، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
- کنعانی، محمدامین (۱۳۸۵)، پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، سال یکم، شماره ۱، ص ۱۲۴-۱۰۴.
- کوششی مجید (۱۳۸۳)، تفاوت‌های قومی در ازدواج و همسرگزینی در ایران، **پژوهش فرهنگی**، سال هشتم، دوره جدید، شماره ۱۰، ۱۹۵-۲۱۹.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳)، سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۴، ص ۵۳-۲۷.
- محمودیان، حسین، محمودیانی، سراج الدین و شهریاری، سهیلا (۱۳۹۴)، ازدواج خویشاوندی، تفاوت‌های بین نسلی و عوامل پشتیبان آن در کرمانشاه، **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دوره ۴، شماره ۱، ۱۶۶-۱۴۵.

منابع لاتین

- Arnaldo, C(2005). Ethnicity and Marriage Patterns in Mozambique, *Social and Behavioral Sciences*, Volume 205,
- Liascovich, R., Rittler, M., and E.Castilla, E. (2001), “Consanguinity in South America: Demographic aspects”, *Human Heredity*, No. 51: 27-34
- McDonald P. (2002). “Low fertility: unifying the theory and the demography”, paper prepared for session 73: Future of fertility in low fertility countries, 2002 Meeting of the Population Association of America.
- Mueller RF, Young ID. Emery's Elements of medical genetics. 11th ed. Edinburgh: Churchill Livingston; 2001. P: 100.
- Poston, D. L and et all. (2003). Fertility Differences between majority and minority nationality groups in china; *department of sociology, texas A and M university, college station, texas* 77843.
- Sobal J, Hanson KL, Frongillo EA.(2009) Gender, ethnicity, marital status, and body weight in the United States.Obesity (Silver Spring). Volume 17, Issue 12 .December 2009 ,Pages 2223–223